

رسمی ایران است می باشد. حدوث این واقعه در قم به صورت خشونت گرائی های
عربان در قبال درویشان نیز در چهارچوب همین توطئه قابل بررسی است.

باتقدیم احترامات فائقه

جمعی از ضایعه دیدگان حادثه مصیبت بار قم

اعلام جرم و دادخواست در ارایش نعمت‌اللہی گنابادی در خارج از ایران

مقدمه:

تاکنون حادثهٔ قم شکاف عظیمی در میان دست اندرکاران سیاست داخلی و افسار گوناگون روحانیت در ایران انداخته است. به شرحی که ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید تخم همهٔ این فاجعه‌های عظیم و مصیبت‌بار با کینه‌جوئی‌های خلاف منطق «نوری همدانی» و هم‌طریقان وی با سلسلهٔ نعمت‌اللہیه گنابادی در کویر خشکی زده فئاتیزم و خرافات‌گرایی پاشیده شد و حنظل تلخ دسیسه و نفاق را به بار نشاند. در این میان برخی خارج‌نشینان خوش خیال هستند که دانسته یا ندانسته آب به آسیاب مرتجعانی امثال نوری همدانی و صافی گلپایگانی و فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی و مصباح یزدی‌ها ... می‌ریزند و دل دشمنان تصوّف و عرفان را خوشحال می‌کنند (مثل مقاله‌ای که در کیهان زیر عنوان «جدال شریعت و طریقت» به قلم احمد احرار به چاپ رسیده بود). ما از طریق کلیه وسائل ممکن ارتباط جمعی — رادیوها و تلویزیون‌ها و رسانه‌های چاپی و شبکه‌های اینترنتی — با تمام توان می‌کوشیم که حول و قوت خود را فقط و فقط افشای سرچشمه‌های توطئه و نفاق در ایران بنمائیم «چون که صد آمد نود هم پیش ماست». در سال جدید از خداوند بزرگ خواستار موهبت خرد برای همهٔ هموطنان عزیزمان در چهار گوشه جهان هستیم.

در ارایش نعمت‌اللہی گنابادی در خارج از ایران

خلاصهٔ موارد مهم

۱ - متأسفانه فتاوی و سخنرانی‌ها و دستورات افرادی در کسوت روحانیت در رابطه با در ارایش، حکایت از حسن نیت ایشان ندارد و بیشتر تحریک کننده است و برخلاف قرآن کریم و دستورات و سیره رسول اکرم (ص) و ائمهٔ هدی علیهم السلام است. مستندات پیوست است. دستور روشن برخی از مراجع مبنی بر مقابله با در ارایش گنابادی در قم خلاف قانون بوده و موجبات اخلال در نظم عمومی و

تشویش اذهان عمومی را فراهم آورده است. مستندات به پیوست می‌باشد. روزنامه و سایت خبری جوان در ۱۱ آبان ۱۳۸۴ می‌نویسد:

«آیت‌الله نوری همدانی نسبت به تبلیغ علنی در ارایش گنابادی در شهر قم به شدت انتقاد کرده و از دستگاه‌های امنیتی خواسته‌اند نسبت به فعالیت این گروه منحرف برخوردهای مناسب را داشته باشند.»

(آدرس خبر در اینترنت:

<http://www.javannewspaper.com/1384/840811/internal.htm>

طراحی‌های مقدماتی

۲ - تجاوز به حریم در ارایش این سلسله و به خاک و خون کشیدن ایشان و تخریب حسینیه آنها طی یک برنامه سازمان‌یافته و از قبل طراحی شده صورت گرفته است که مقامات مسؤول استان از آن مطلع بوده‌اند و این اقدامات در جلسات شورای تأمین استان بررسی و تصویب شده بود (مستند در پیوست است).^۱

قانون شکنی‌ها

۳ - براساس قوانین کشوری مقامات سیاسی استان بدون مجوز قضائی منتج از رأی دادگاه، حق نداشتند لاک و مهر حسینیه را که توسط مقام قضائی انجام شده بود فک کنند. این عملیات به دستور معاون امنیتی اطلاعات قم به نام شجری صورت گرفته است. مدارک به‌جا مانده از گروه فاطمیون در حسینیه پس از اینکه غاصبین این گروه در ۵ بهمن حسینیه را ترک می‌کنند دلالت بر دخالت مستقیم اداره اطلاعات قم و سپاه قم و نیروی انتظامی را در این غائله دارد.

۴ - یکی از این مدارک سرپرستی مهدی سلحشور را در این جریان تصریح کرده و همچنین نامبرده در روز حمله به حسینیه به دفعات اقدام به ایراد سخنرانی و تحریک نیروی مقاومت بسیج برای حمله به حسینیه نمود که خود تأییدی بر این ادعا می‌باشد (مستندات به پیوست است). در نامه فوق به وضوح تصریح شده که یک گروه ۲۷ نفره در ساختمان عملیات از ساعت ۱۸/۳۰ تا ۲۰ روز ۸۴/۱۰/۲۷ در

۱- به «گزارش تحقیقات شورای امنیت» در بخش پیوست‌ها مراجعه فرمایید.

رابطه با تحویل حسینیۀ شریعت به سرپرست هیئت فاطمیون، مهدی سلحشور اقدام و توجیحات لازم را اعمال نموده‌اند. همچنین در نامه فوق به صراحت تأکید شده که نیروی انتظامی و سپاه، آقای بهرامی را در تاریخ ۱۰/۲۸/۸۴ ساعت ۷/۳۰ در ۲۰ متری شهید رجائی به داخل خودرو برده و به سپاه منتقل کرده‌اند، و سپس در ساعت ۹/۳۰ تعدادی دیگر از درویش را دستگیر و به محل فوق انتقال می‌دهند. به موجب قانون، سپاه در درون کشور حق دستگیری و بازداشت ندارد و این عمل به مثابه آدم ربایی است و عاملین آن بر اساس ماده ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی مستوجب ۲ ماه تا ۲ سال حبس است و در این مورد خاص چون بدون حکم قضائی صورت گرفته براساس ماده ۵۸۳ همین قانون به یک تا سه سال حبس و جزای نقدی از ۶ تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهند شد (مستند به پیوست است).

۵ - در گزارش کاری بجامانده در حسینیۀ سرکشی و به عبارت دیگر دخالت کامل سرهنگ سجادی و مرادی تبار و محسن شاهدهی دقیقاً تصریح شده و دلالت بر فرماندهی کل عملیات فک پلمب و غصب حسینیۀ توسط مقامات انتظامی، سپاه و اطلاعات قم دارد (مستند به پیوست می‌باشد). حمله به حسینیۀ شریعت در حیطة اختیارات و تصمیم‌گیری شورای تأمین استان قرار نداشته، زیرا مسأله حسینیۀ یک مسئله حقوقی بوده و نه امنیتی و در بدترین حالت یک نزاع حقوقی بین آقای شریعت و اداره اوقاف می‌بوده. لذا شورای تأمین استان نمی‌بایست موضوع را تبدیل به یک موضوع امنیتی بنماید.

۶ - سخنرانی‌های محرک شهشهبانی و مجید فولادی و سرهنگ سجادی فرمانده کلانتری ۱۱ شهدا، که نفر اخیر الذکر دستور حمله را به گروه فشار صادر می‌کند مبین عدم بی‌طرفی نیروی انتظامی به عنوان ارگانی که وظیفه دارد از حقوق تمام گروه‌ها به‌طور مساوی حمایت کند می‌باشد. وی در آخرین جمله سخنرانی خود به درویش متحصن می‌گوید: «برای آخرین بار به شما اخطار می‌شود که سوار اتوبوس‌ها شوید، در غیر این صورت تکلیف شما با بچه‌های حزب الله است». بعد از این جمله بود که گروه فشار به درویشی که در پیاده رو نشسته بودند حمله می‌کند (مستندات صوتی تصویری و مکتوب در ضمیمه است).

۷ - پلاکاردها و تراکت‌های توزیع شده همه محرک بوده و برای تحریک آنها از قبل تنظیم، چاپ و تکثیر شده است (مستندات در پیوست است).

۸ - شعارهای داده شده علیه درویش موهن، زننده و تحریک آمیز بوده و برخی از آنها از قرار زیر است: «صوفیه نابود باید گردد»، «اسلام اسرائیلی نابود باید گردد»، «اسلام صهیونیستی نابود باید گردد»، «شریعت بی حیا شهر قم رها کن»، «صوفی باید کشته شود»، «به گفتهٔ مراجع، فتنهٔ انگلیسی تعطیل باید گردد»، «مسجد ضرار تخریب باید گردد»، «به فتوای مراجع این مسجد ضرار است تخریب باید گردد».

۹ - اجتماع آرام و خاموش درویش با در دست داشتن عکس شهدای خود در جنگ تحمیلی و در دست گرفتن شاخه‌های گلایول سفید و توزیع شیرینی دلالت بر اعلام ایرانی، مسلمانی و خواستار صلح و دوستی با تمام ملت و دولت ایران بوده است. در عوض مهاجمین با سردادن شعار که: «عکس شهید عکس امام قرآن روی نیزه‌هاست» به درویشان حمله می‌کردند. این شعار به منزلهٔ این بود که درویش را خوار خوانده و حمله به آنها را واجب دانستند (عکس‌ها در پیوست).

۱۰ - درویش متحصن به هیچ‌وجه قصد حمله نداشتند زیرا به دلیل تحصن طولانی کفش‌های خود را نیز درآورده بودند. و اگر قصد حمله می‌داشتند باید آلات حمله را از قبل تهیه می‌کردند. در صورتی که پس از حملهٔ گروه فشار اقدام به پوشیدن کفش خود کردند و شروع به محافظت و دفاع نمودند. درویش گمان نمی‌کردند که در پاسخ به رفتار صلح‌آمیز آنها مورد حمله واقع شوند. زیرا پیرزنان و پیرمردان و کودکان خردسال و حتی شیرخوار خود را نیز با خود آورده بودند. اگر زدو خورد را پیش بینی کرده بودند افراد و البسه و وسائل شخصی خود را به تناسب زد و خورد مهیا می‌کردند. تنها وسیله دفاع درویش در برابر حمله‌های غذاپزی حسینی و سنگ‌هائی بود که از پشت بام‌های مرتفع‌تر از حسینی بر سر آنان می‌ریختند. برعکس، گروه فشار از قبل تمام تجهیزات لازم را تهیه و همراه آورده بود که شامل انواع و اقسام وسائل رزمی نظیر پنجه بوکس، گوی فلزی متصل به زنجیر، خنجر و سایر سلاح‌های سرد و نیمه گرم نظیر تفنگ وینچستر ۵/۵، پمپ‌های سمپاش برای پاشیدن گاز اشک‌آور و گاز خردل ... می‌شده است.

۱۱ - گروه فشار در روزهای قبل با صاحبان ساختمان‌های دور حسینی هماهنگی کامل نموده و بر سر بام آنها به میزان بسیار زیادی آجر و سنگ منتقل و آماده نموده بود. حملهٔ اولیه توسط گروه فشار و با پرتاب سنگ از پشت بام کتابخانهٔ آیت الله مرعشی بر نیروی انتظامی آغاز شد که صورت سردار صالحی در این حمله

آسیب دید (فیلم‌های ضمیمه این موضوع را اثبات می‌نماید).

۱۲ - روز ۲۳ بهمن تعدادی از دروایش به استانداری مراجعه و در جلسه‌ای ۴ ساعته از حاجی‌زاده معاون سیاسی استانداری قم درخواست می‌نمایند که یا موضوع تارأی قطعی دادگاه مسکوت گذاشته شود و یا شورای تأمین استان تشکیل و به موضوع رسیدگی نماید و یا پنج روز مهلت بدهند تا حسینیه را تخلیه نمایند و یا در جلسه‌ای با رؤسای اوقاف و دادگستری به حل و فصل اختلاف پرداخته شود. حاجی‌زاده در جواب گفت کشور مشکل حساس ندارد و راه‌پیمائی ۲۲ بهمن ثابت کرد که پایه‌های نظام محکم است و غرب غلطی نمی‌تواند بکند و نیروی انتظامی موظف است که حکم مقامات استان را بر اساس دستورالعملی که به او داده شده اجرا کند ولو اینکه ۱۰۰۰ نفر کشته شوند (شرح گفتگوی جلسه در پیوست است).

۱۳ - عباس محتاج استاندار قم در شرح این موضوع به رسانه‌ها دروایش گنابادی را علی‌اللهی خواند. اگر این افراد به قول محتاج علی‌اللهی هستند پس چرا موقوفه آنها به نام مبارک حضرت حسین (ع) یعنی حسینیه نامگذاری شده؟ به کسی که تا این حد نسبت به رشته‌های عرفانی و سلاسل دروایش بیگانه است چگونه مدیریت یک استان مذهبی تفویض شده است! عباس محتاج یکی از جرائم دروایش را ازدحام و سد معبر ناشی از ازدحام در خیابان ارم دانسته است و لذا عملیات گروه فشار را در حمله به دروایش موجه شمرده است. آیا ایستادن و یا نشستن در خیابان مستوجب تخریب حسینیه آنان و یا تعدی به آنها آن هم با ضرب و شتم و جرح است؟ وارد آوردن اتهام به دروایش توسط برخی مقامات قم نظیر استاندار و یا رسانه‌های وابسته به تشکیلات امنیتی نظیر پرتاب گاز اشک آور بیش از حد تمسخرآمیز است که قابل قبول باشد.

۱۴ - افراد گروه فشار در حین درگیری بازداشت نشدند. این موضوع دلالت بر این دارد که از قبل اعمال گروه فشار مورد تأیید نیروی انتظامی بوده و اگر این ماجرا نزاعی عادی می‌بود نیروی انتظامی باید دو طرف درگیر را بازداشت می‌کرد و به محاکم قضائی می‌فرستاد و نه اینکه از قبل پیش قضاوتی داشته باشد و فقط دروایش را بازداشت نماید! گزارشی دالّ بر بازداشت گروه فشار در شب واقعه توسط نیروی انتظامی در هیچ رسانه‌ای منتشر نشده است. و چطور عده‌ای لباس شخصی تحت حمایت نیروی انتظامی عده‌ای مسلمان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند؟ افراد شناخته شده‌ای نظیر ده‌نمکی در روز حمله گروه فشار در منطقه رویت شده‌اند

که سوابق قبلی در ارتباط با این گونه فعالیت‌ها داشته‌اند.

۱۵ - مقامات استان قانوناً حق تصرف چه برسد به تخریب حسینیه را نداشتند چون وکیل آقای شریعت (دکتر غلامرضا هرسینی) در مهلت مقرر فرجام خواهی کرده بود و هنوز رأی دادگاه تجدید نظر قطعی نشده بود (مستندات در پیوست است).

۱۶ - سؤال دیگر این است که براساس مقررات موجود شهرداری، کمیسیون ماده ۱۰۰ فقط در دو حالت خطر جانی ناشی از فرو ریختن بنا و یا سد معبر عمومی مجاز به تخریب بنا است. در غیر این صورت تا وقتی که صاحب بنا درخواست پایان کار نکند مخیر است که اضافه بنا را حفظ نماید. از طرف دیگر تغییر کاربری براساس قانون مستوجب تخریب نیست. حتی اگر آقای شریعت ملک خود را مورد استفاده برای مجالس عزاداری حضرت مولی‌الکونین ابوالحسن علی‌ه‌السلام قرار داده باشد یا به مجالس ذکر خدا مختص کرده باشد مستحق تخریب نیست.

۱۷ - سؤال دیگر این است که استناداری همراه با سپاه و نیروی مقاومت بسیج و اطلاعات قم و نیروی انتظامی با استناد به چه حکمی حسینیه را تخریب کرده‌اند؟ مقامات استان حکم قضائی برای تخریب حسینیه در اویش را نداشتند.

۱۸ - سؤال دیگر این است که اگر هم تخریب حسینیه محل دعوا و نزاع بود چرا خانه شخصی آقای سیداحمد شریعت را تخریب کردند؟

۱۹ - سؤال دیگر این است که اگر حسینیه محل نزاع بود مطب شخصی آقای دکتر حسن شریعت و کتابفروشی که در اجاره مستأجر بود چرا مورد حمله، غارت اموال، و تخریب قرار گرفت و جای آنها را با بولدوزر صاف کردند؟

۲۰ - گروه فشار با حمله به خودروهای داخل خیابان به وسیله سنگ و چوب و چماق، شیشه اتومبیل‌های در اویش را شکسته و خسارات فراوانی را وارد نمودند. این اعمال براساس مفاد ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی جرم است و مرتکب باید به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم گردد.

۲۱ - در ماه محرم علیرغم حرام بودن جنگ با حمله به حریم امن حسینیه مأموران دولت ابتدا آب و برق را به روی عزاداران حسینی قطع نموده و اگر قطع برق بنا بر ملاحظات امنیتی می‌بود بایست قبل از آن گاز را قطع می‌نمودند و پا را از این فراتر گذاشته و ساختمان را به آتش کشیدند و سپس با بولدوزر از بنیان تخریب و زمینش را نیز اسفالت کردند.

۲۲ - در کتابفروشی تخریب شده کتب محترمه نظیر قرآن و کتب احادیث معصومین علیه‌السلام و بر دیوارهای حسینیه آیات قرآن و صلوات کبیره و اسامی ائمه هدی علیهم‌السلام وجود داشت که با به آتش کشیدن و تخریب آنها آن هم در ماه حرام که نزاع بر مسلمین حرام است دلالت بر عدم تقید بانیان استان به موازین شرع و قانون داشته و هتک حرمت اسلام است. تخریب حسینیه و منزل آقای شریعت و مطب و کتابفروشی متعلق به درویش درست مشابه اعمال تخریب منازل فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌هاست که مورد قبول هیچ کس نیست. از طرفی مسلمین هر جا که کلیساها را تصرف می کردند تبدیل به مسجد می نمودند ولی در فاجعه قم حسینیه را تخریب کردند.

۲۳ - با بازداشت شدگان رفتار بسیار خشنی شده است و زنان بازداشت شده را در محلی که در دید مردان نیروی انتظامی بوده تفتیش بدنی کرده‌اند.

۲۴ - بازداشت شدگان در یک و نیم روز اول گرسنه نگهداشته شده‌اند و محل‌های استقرار آنها غالباً تنگ بوده به گونه‌ای که بازداشت شدگان مجبور به ایستادن بودند.

۲۵ - تعداد بازداشت شدگان در اویش بیش از رقم گزارش شده توسط استانداری قم بوده و آمارهای اولیه ارقامی حدود ۱۵۰۰ نفر و یا بیشتر را گزارش می‌کنند. تعداد مجروحان در اویش به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسد. از تعداد کشته شدگان هنوز آماری در دست نیست ولی صورت اسامی مفقودین که احتمال کشته شدن آنان و یا بازداشت توسط لباس شخصی‌ها وجود دارد نزدیک به ۱۰ نفر است و احتمال بیشتر بودن آنها نیز هست.

۲۶ - بر اساس نص صریح قانون هنگام دستگیری افراد هرگونه اشیاء گرفته شده می‌بایستی صورتجلسه شود و در این جریان کلیه تلفن‌های همراه و مدارک شناسائی و وجوه نقد و وسائل شخصی افراد را با خشونت گرفته و رسید نیز تحویل نشده است. و این موضوع مخالف مفاد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

مقاله روزنامه میزان ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۵

وکیل در اویش گنابادی از صدور حکم یک سال حبس تعزیری برای خود و یکی از وکلای این پرونده و همچنین ۵۲ نفر از این در اویش گنابادی که پیش از این در شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی جزایی قم محاکمه شده بودند خبر داد. فرشید یداللهی در گفت‌وگو با خبرنگار «ایلنا» با اعلام این مطلب، گفت: طبق رأی صادره از سوی شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی جزایی قم، کلیه ۵۲ نفر در اویش گنابادی به اتهام اخلال در نظم عمومی و تعرض از دستور پلیس به یک سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت ده میلیون و پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند.

وی افزود: بنده و امید بهروزی که از وکلای این پرونده هستیم نیز به تحمل یک سال حبس تعزیری، ۷۴ ضربه شلاق، پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی، پنج سال محرومیت از شغل و کالت محکوم شدیم. وکیل در اویش گنابادی تصریح کرد: موکلانم پیش از این به مدت ۱۵ روز در بازداشت موقت به سر بردند و سپس با قرار کفالت و وثیقه آزاد شدند.

شرح مختصری از زندگی و فعالیت‌های عرفانی دکتر نور علی تابنده (مجدوب علیشاه)

آقای حاج دکتر نور علی تابنده در سال ۱۳۲۷ مدرک لیسانس خود را در رشته حقوق قضایی از دانشگاه تهران گرفتند و در همان سال به استخدام وزارت خارجه درآمدند و دو سال بعد به وزارت دادگستری انتقال یافتند. در سال ۱۳۳۶ از دانشگاه سوربن پاریس در رشته حقوق دکترا گرفتند. ایشان در وزارت دادگستری وقت به سمت‌هایی مانند رئیس اداره سرپرستی دادرسی تهران و مستشاری دادگاه استان تهران به کار ادامه دادند.

در سال ۱۳۳۱ بنا بر روشی که از پیش از ایشان نیز در خانواده تابنده وجود داشت با طی مراتبی از سیر و سلوک این درویش به‌وسیله پدرشان که در بین هم‌کیشان صالح علیشاه خوانده می‌شدند، رسماً وارد این‌گونه گرایش‌های اعتقادی گردیدند. ایشان تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۵۵ کارمند دادگستری بودند و بعد از آن به شغل و کالت پرداختند.

پس از انقلاب ایران در بین جمع ملی‌مذهبی‌ها و دولت‌مهدی‌بازرگان حاضر شدند و با سمت‌هایی مانند معاون وزارت ارشاد و عضو هیأت امنای سازمان حج و زیارت و سپس معاون وزارت دادگستری و همچنین وزیر دادگستری در کنار این دولت بودند. در مهرماه ۱۳۵۹ بنا بر میل شخصی خودشان این فعالیت‌ها را رها کردند و بیشتر به مسأله کیش اعتقادی‌شان پرداختند.

پس از مرگ زود هنگام سلف خویش موسوم به «محبوب علیشاه» که برخی از درویش آن را به قتل‌های زنجیره‌ای منتسب به گروه سعید امامی نسبت می‌دهند،^۱ در سال ۱۳۵۷ رهبری این اقلیت را برعهده گرفتند. اینک بیش از یک دهه است که این درویشان ایشان را «مجدوب علیشاه» و قطب دینی خود می‌دانند.

۱- به «دستور وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش...» در بخش پیوست‌ها مراجعه فرمایید.

بخشی از مصاحبه با آقای حاج دکتر نور علی تابنده (مجدوب‌علیشاه)

س: با توجه به سوابق اجتماعی و سیاسی جنابعالی قبل و بعد از انقلاب، که تصوّر می‌کنم حداقل حدود چهل سال از عمر شما را دربر گرفته باشد، اکنون نظرتان راجع به نظام جمهوری اسلامی چیست؟

ج: ... من با نظام مبتنی بر اسلام هرگز مخالف نبوده و نیستم و نخواهم بود. یک مسلمان نمی‌تواند با یک نظام اگر اسلامی باشد مخالف باشد، ولی مخالفت من در بعضی موارد با طرز مدیریت است که موجب می‌شود مردم از اسلام گریزان شوند (و موجب می‌شود که مثلاً آقای پاپ فعلی — ان‌شاءالله از روی سادگی و جهل — دین اسلام را دین ترور بخواند). در تمام دورانی که فعالیت اجتماعی می‌کردم هرگز از عنوان تصوّف استفاده نکردم و هرگز با اعتقاد تامّی که به تصوّف داشتم نامی از آن نبردم، چرا که می‌خواستم که اگر گفتار و کردارم درست است، بدان واسطه و بدون اظهار به تصوّف، معرّف آن باشم و اگر نادرست است که موجب بدنامی تصوّف نشوم....

س: به‌طور کلی نظر جنابعالی در مورد ارتباط سیاست با تصوّف و فقر چیست؟

ج: من خیلی سعی کرده‌ام و می‌کنم و خواهم کرد که درویشی از سیاست کنار باشد، البته همان‌طور که گفتم درویشی، نه درویش. به‌عکس، درویش باید فعال اجتماعی باشد و سگان زندگی خودش را با انطباق با تعالیم دینی و توجه به شرایط روز بچرخاند، ولی درویشی باید از سیاست کنار باشد. و چنان که قبلاً متذکر شدم، این نظر را از همان ابتدای کار خود در مقام ارشد فقرا در سلسله نعمت‌اللهمی گنابادی در اولین اعلامیه‌ای که روز پس از رحلت حضرت محبوب‌علیشاه نوشتم، به‌صراحت بیان کردم. من از همان ابتدا نظر شخصی

خودم را در این امور حتی اظهار نکرده‌ام ولی متأسفانه با وجود اعتقاد به آنچه عرض شد، کسانی به خیال اینکه ما یک قدرتی جداگانه از ملت هستیم، با ما مخالفت می‌کنند. بعداً برای اینکه ما را بکوبند اصرار دارند که درویشی را وارد درسیاست کنند، کما اینکه در جریان اخیر بیدخت، هیچ مسأله خاصی در میان نبوده است. البته سعی کردند که بگویند آنچه پیش آمد خودجوش بود. باید پرسید اگر خودجوش بود چرا این همه تجهیزات با برنامه‌ریزی قبلی برای سرکوبی با خود آوردید؟ چرا دو تا اتوبوس، یکی زن و یکی مرد، از خارج گناباد آوردید؟ چرا به اعتقاد و علاقه این همه جمعیت که به طرفداری از فقر و مقام قطبیت دور خانه ما جمع شدند، اهمیتی ندادید؟

به هر تقدیر، همواره سعی کرده‌ام این دستورالعمل را خودم دقیقاً اجرا کنم و درویشی را واسطه سیاست قرار ندهم و هرگز از اعتقادات مذهبی اجتماعی استفاده نکنم و معتقدم سوء استفاده از اعتقادات و احساسات مذهبی مردم نتیجه‌اش به ضرر همان اعتقادات خواهد بود. و به همین دلیل هم هست که می‌بینید هرگونه مخالفتی که علناً با فقر و درویشی می‌شود الحمدالله فقر و درویشی هیچ‌گاه به افول نمی‌رود. با اینکه از همه طرق ممکنه — اعم از مخالفت فیزیکی و فرهنگی — استفاده کرده و می‌کنند، نتیجه نمی‌گیرند. از طرفی کتاب‌هایی در ردّ تصوّف و خصوصاً سلسله ما به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده با اسامی مؤلفانی مجعول می‌نویسند و از طرف دیگر از جانب خودشان به من اصرار می‌شود که ردّیه علیه آنها بنویسید. ولی من همواره گفته‌ام اینها ردّیه نمی‌خواهد. تا آنجا که این مطالب مربوط به مسائل کلی در مورد ایراد مخالفان تصوّف است، اینها از نوع مطالبی است که از قرن‌ها پیش گفته‌اند و به اندازه کافی جواب هم داده شده است. ولی مطالبی که سراسر دروغ و افترا است که محتاج اقامه دلیل و برهان بر ردّ آن نیست. هر کس می‌تواند در مورد دیگران شایعه‌پردازی کند، به خصوص وقتی که به طرف مقابل اجازه و مجال دفاع از خود داده نمی‌شود. ولی آن که اهل انصاف و تحقیق است حتماً خودش کتاب‌های درویشی را نیز می‌خواند و اگر بخواهد ببیند این شایعات صحیح است یا نه، خودش به مجالس درویشی می‌آید و معاشرت و مصاحبت با آنها می‌کند تا صحت و سقم شایعات بر او معلوم شود. ولی کسانی می‌خواهند از جانب ما ردّیه نوشته شود که فتح باب گردد. بعد بر آن

ردّیه جوابی بدهند و این رشته ادامه پیدا کند که همیشه مردم را تحریک کرده و تشنّج ایجاد کنند. اینها سعی دارند که درویشی را به سیاست بکشانند و متأسفانه دست‌هایی که مخالف دولت هم هستند در این کار به آنها کمک می‌کنند برای اینکه درویش‌ها را که عده‌شان در ایران و در خارج کم نیست به دشمنی با دولت بکشانند. اگر هم یک نفر درویش مخالف باشد، او با دولت مخالف نیست، با کسی که با مقدّسات او دشمن است، با اعتقادات او و با کسانی که به آنها اعتقاد دارد دشمن است و از آنها بدگویی می‌کند، با او دشمن می‌شود. ولی کسانی هستند که به اصرار می‌خواهند بگویند چنین شخصی با حکومت دشمن است. هر کس در این راه عمداً می‌کوشد به نظر من از عوامل نفوذی است که به ضرر مملکت و به ضرر دولت کار می‌کند.

خلاصه صفات مؤمن

برای تیمن و تبرک، خلاصه صفات مؤمن از رساله شریفه پند صالح که جناب صالح علیشاه گنابادی طاب ثراه برای سالکان و مؤمنان در سال ۱۳۱۷ شمسی نوشته‌اند ارائه می‌شود، تا قضاوت کنیم و حالت و صفات خود را با آن بسنجیم!

«مؤمن خداخواه و خداجوست، نیت خالص، دل خاشع و تن خاضع دارد. پایش از راه بیرون نرود، و بر راه نلغزد. دوستی‌اش بی‌آلایش و کردارش بی‌غش باشد. به خود پرداخته، به دیگران نپردازد. از خود بر خود ترسان و دیگران از او در امان باشند. نگاهش به معرفت، بهره‌اش عبرت، خاموشی او حکمت و گفتارش حقیقت است. دانایی را با بردباری و خرد با پایداری و گذشت با توانائی و شجاعت با نرمی و مهربانی دارد. و هنگام نیکی کردن شادان و از بدی پشیمان و بر خود ترسان باشد. پایان کار را بسنجد و در سختی‌ها پافشاری کند. و در هر حال و هر کار یاری از صبر و صلوات جوید. و آماده و مهیای مرگ باشد و ساز و برگ آن را فراهم سازد. سرمایه عمر را بیهوده نگذرانند و در نیکی صرف نمایند و سفارش به نیکی نمایند.

حیائش بر شهوت چیره باشد و گذشتش بر خشم و دوستی بر کینه و قناعت بر آز. جامه مانند مردم پوشد؛ در میان آنها زندگی کند، دل به آنها نبندد. و در کار بندگی شتاب کند و کار امروز به فردا نیندازد و در دنیا میانه‌روی کند، و از معصیت خود را نگاه دارد. زیانش به کسی نرسد. به بدکنده خود نیکی کند و با آن کس که از او بگسلد، بیبوندد. و محروم کننده را ببخشد. سؤال از کسی نکند و درخواست دیگران را رد نکند. روی نیاز جز به بی‌نیاز نبرد و نیاز نیازمندان را بر آورد. انصاف نخواهد و انصاف دهد. خود را از لغزش نگاه دارد و همیشه مقصر شمارد و از لغزش دیگران در گذرد. دشمن ستمگری و یار ستم کشیدگان باشد. از سردی مردم دلگیر نگردد. تجسس عیوب نکند و عذر پذیرد و عیب پوشد. از چاپلوسی مردم شاد نگردد، از بدگویی اندوه به خود راه ندهد. با مؤمنین یکدل باشد و در شادی آنها شاد و به گرفتاری آنها اندوهناک گردد؛ اگر تواند به همراهی چاره اندیشد و دل آنها را خوش سازد و اگر نتواند از خدا درخواست چاره نماید. برای آنها خواهد هر آنچه برای خود خواهد؛ بر آنها بیسندد هر آنچه بر خود پسندد. از مؤمن

قهر نکند و پند در پنهان دهد. و نیکی آنها در آشکار و پنهان خواهد. به روی آوردن دنیا خشنود نگردد و از رفتن آن اندوهگین نشود. همت بلند دارد. به عادات بد خو نکند. لغزش را تکرار نکند. تا نپرسند، نگوید و چون گوید کم و سنجیده گوید. کردارش گواه گفتارش باشد. از تدبیر زندگانی فروگزار نکند، از فریب و دورویی و دروغ بر کنار باشد. و خود را بزرگ نشمارد و دیگران را پست نبیند. کسی را سرزنش نکند و با مردم نستیزد. دل همسایه را به دست آرد. صدارا بلند نکند. سخن چینی نزد کسان ننماید. در اصلاح کوشد. در حکم از درستی نگذرد، ستم روا ندارد. در خنده پرده حیا ندرد. و از یار بد بپرهیزد. یاور ستم‌زدگان و یار آوارگان و ناتوانان باشد. با درویشان نشیند و خشنودی مردم را بر خشنودی خدا نگزیند و به مال و جان و اندام در همراهی کوتاهی نکند. او را که خواندند، بپذیرد. بر دوستان به دیدار سلام کند. در کار مشورت نماید، در مشورت خیانت نکند. رشوت نگیرد، گرچه حق الزحمه و حق الجعاله که ناروا نیست، ستاند.

اگرچه دقت در این مضامین با سنجیدن خود و کردارمان ناامیدی آورد، ولی گرم خدا بی‌پایان و فضلش فراوان است. نباید دست از طلب داشت و آنچه به تمام نتوان دریافت همه‌اش را نتوان گذاشت:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند

در طلبش آنچه توانی بکوش^۱

«باید کوشید و این صفات را میزان ساخته، کردار را بر آن سنجید و خود را گناه‌کار و تبه‌روزگار دیده، با نیاز از درگاه بی‌نیاز پوزش خواست.

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدای آورد

و نه سزاوار خداوندی‌اش

کس نتواند که بجای آورد^۲

۱- حافظ

۲- سعدی.


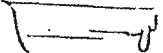
خاتمه

با توجه مجدد به «دستورات وزارت اطلاعات به وزارت آموزش و پرورش در بدگویی آموزگاران از صوفیه» و بررسی علل آن^۱ و بخش نامه‌های محرمانه پیوست از سال ۱۳۶۹ به بعد و تصاویری از حسینیه دروایش نعمت‌اللهی، قبل و بعد از تخریب نشان می‌دهد که افکار جاهلانه و تصورات واهی و باطل چگونه می‌تواند عده‌ای بی‌گناه و مسلمان و شیعه دوازده امامی و مؤمن را به خاک و خون بکشاند و بناهای مذهبی را خراب و آبروی کشور و دولتی را آن‌هم به نام جمهوری اسلامی بر باد دهد.

آیا این افکار و اعمال جاهلانه است؟! و یا نسبت به کشور و مردم ایران خائنانه است؟! و یا هر دو!!
 قضاوت با شماست!

اسنادی از جنایات وزارت اطلاعات علیه مردانی شیخ در اویش گنابادی

سال‌ها است وزارت اطلاعات در تلاش است تا فرقه‌ی درویشی گنابادی را از بین ببرد. اسناد زیر گوشه‌ای از اقدامات وزارت اطلاعات در این ارتباط و فقط مربوط به شیخ فرقه و رئیس تشکیلات کرج، یوسف مردانی است. دختر یوسف مردانی بر اساس نامه‌ی زیر در مرداد ۱۳۶۹ رپوده شد و تحت شکنجه قرار گرفت. مأموران اطلاعات دو دندان کرسی وی را با انبردست شکستند و از وی امضا گرفتند که اگر با وزارت اطلاعات همکاری نکند به او تهمت زده و او را سنگسار می‌کنند. نهایتاً وی که حاضر به همکاری با اطلاعات کرج نشد، برای وی پرونده‌ای جعلی ساختند. قاضی نصری شعبه ۲۲ با بررسی پرونده و آگاهی از توطئه‌ی اطلاعات حکم به برائت کامل نامبرده (رای دادنامه ۱۴۰۶، مورخ ۷۳/۷/۵، پرونده ۷۴۲۰۷۲۰۲۲) صادر نمود. چند روز بعد، مأموران وزارت اطلاعات فرزند دیگر مردانی به نام محمود را در اراک از حاشیه میدان

 جمهوری اسلامی ایران وزارت اطلاعات	یوسف شماره: ۵۰۳۸۲۴ تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۲۴ پیوست: ۲ فقره	از : به : دادسرای انقلاب اسلامی کرج موضوع : سلام علیکم
<div style="border: 1px solid black; padding: 5px; display: inline-block;"> دستورالعمل شماره ۵۰۳۸۲۴ </div>		
<p>احتراماً " پیرو گفتگوی تیلی با استحضار میرساند، با توجه به فعالیت روز افزون جریان انحرافی در اویش به ویژه فرقه گنابادی در کرج این اداره کل در نظر دارد در اسنای انجمن تشکیلات فوق الذکر اقداماتی بنماید، در نتیجه مقتضاً " برای سبب به حذف اصلی نیاز به تخلیه اطلاعاتی شماست و است به فرقه مذکور میباشد، منجمله از افرادی که دسترسی خوبی به اطلاعات موصوف دارند، دختر مردانی (شیخ فرقه و مسئول تشکیلات کرج) میباشد که با یکی از عناصر فعال و تشکیلاتی بنام برویز شمس دارد .</p> <p>لذا مستعدی است حکم دستگیری مشارالیه و فرد مرتبط و تدبیر منزل مذکور را صادر فرمائید تا در فرصت مناسب بحره برداری لازم از اطلاعات آنان صورت پذیرد .</p>		
من التوفیق حیدری - مدیر کل اطلاعات کرج 		

شاه حسینی ربوده بر روی یک تخت آهنی چرخان بستند و با کابل به بیضه‌های وی می‌زدند تا بیهوش می‌شد. پس از اینکه ضربات کابل باعث تورم و پاره شدن کیسه بیضه‌های وی گردید، سیم‌های افشان سر کابل را به درون پارگی بیضه‌های او می‌کردند و می‌پیچاندند تا مصلوب از شدت درد بیهوش می‌شد. با هر بار بیهوشی تخت چرخان را می‌چرخاندند و مصلوب را سرازیر کرده با آب و دارو به هوش می‌آوردند و شکنجه از نو شروع می‌شد. این شکنجه دو شبانه‌روز ادامه یافت و پس از دوروز وی را در دروازه تهران اراک در حالی که کیسه‌های یخ بر بیضه او بسته بودند، رها می‌نمایند.

وی پس از رهایی تا مدت‌ها دچار خونریزی بیضه‌ها بود و بعد از چند روز سکنه کرد. هردوی قربانیان اظهار می‌دارند که در تمام این شکنجه‌ها هدف وزارت این بود تا بر علیه مردانی اعتراضاتی جمع نماید ولی موفق نشد.

دکتر مجید نعمت‌اللهی	باسم خدا
MAJID NEAMATOLAHI	محمد مجید نعمت‌اللهی
M. D.	برای امروز هم منور بودم و با دست در راهب
بیماریهای داخلی قالب	در صورتی که در دست راست من در کمر بود
GENERAL PRCTIONER	برای فردا دست من در دست راست من در کمر بود
مطالعات تخصصی سوختگی	سرمه نهانی من در دست راست من در کمر بود
شماره نظام پزشکی ۱۱۰۸۵	دکتر مجید نعمت‌اللهی شماره نظام پزشکی ۱۱۰۸۵
M. N. 11085	۵۹ ر ۱۰
تلفن مطب:	
نام بیمار:	
مشخصات:	
شماره پرونده:	
کرج: خیابان ذوق آهن ایستگاه قطار	
چهار دستگاہ، پلاک ۱۰۷	
حفظ در مراکز پزشکی آذربایجان - ۱۳۸۰ - مهر در این مورد	

فرزند دیگر مردانی به نام عمادالدین از بسیجیان لشکر ۲۸ محمد رسول‌الله بود. وی پس از فراغت از تحصیل عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج شد. وزارت اطلاعات استخدام وی را در دانشگاه ممنوع اعلام نمود و دانشگاه را ملزم کرد تا وی را اخراج نماید. در پاسخ به اعتراضات و شکایات وی، اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد وزارت اطلاعات استخدام وی را به جرم درویشی ممنوع اعلام کرد:

شماره: ۸۸۲۲/م/۵۰۹۵۸۵۰	 جمهوری اسلامی ایران وزارت اطلاعات	طبقه بندی: محرمانه
تاریخ: ۱۳۸۲ / ۸ / ۱۲		ارجحیت:
بیوست	اداره کل تعیین صلاحیت و اسناد	نحوه ارسال:

به، قوه قضائیه - اداره کل نظارت و پیگیری و رسیدگی به شکایات مردمی
 موضوع: عمادالدین مردانی ف. یوسف

سلام علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۸۴/۱۰۲۶۷/ب مورخ ۸۴/۲/۳۱ برابر
 بررسیهای به عمل آمده نامبرده وابسته به فرقه دراویش گنابادی بوده که با
 سایر عناصر ارتباط داشته و فعالیتهایی به نفع این فرقه انجام میداده است.
 علی ایحال نظریه قبلی اعلام شده در خصوص وی کماکان به قوت خود
 باقیست.

لطفاً دستور فرمائید از سرانجام کار ایشان این مرکز را مطلع نمایند. ۷/۱۰

مدیرکل تعیین صلاحیت و اسناد

سید

کلاس

ارجاع

تاریخ

شماره ثبت

لازم به تذکر است که فرزند دیگر وی، حمید مردانی، مجروح شیمیایی جنگی است.

دستور العمل وزارت اطلاعات به تمام دستگاه‌های اجرایی سرتاسر کشور در مورد اخراج درآویش گنابادی

سال‌ها است که اخراج درآویش گنابادی به صورت تکی و دسته‌جمعی از کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور صورت می‌گیرد. بخشنامه دري نجف‌آبادی به کلیه گزینش‌های از سال ۱۳۷۰ تاکنون سبب اخراج تعداد بسیار زیادی از درآویش گنابادی از مشاغل خود شده است. این بخشنامه که همچنان مخالف حقوق اساسی ملت در قانون اساسی است عملاً مشکلات فراوانی را در جلوی استخدام درآویش قرار داد.



جمهوری اسلامی ایران
ریاست جمهوری

۲۲ بهمنه تعالی ۱۳۹۲

خیلی محرمانه

تاریخ: ۷/۱۰/۹۲
شماره: ۲۸۱۴/۴۳۰۷

به کلیه هیاتهای مرکزی گزینش

با سلام

باتوجه به وضعیت درآویش از لحاظ وابستگی سران آنها به نظام طائفسوت و غرب و فعالیت آنان در اشاعه فرهنگ غرب در پوشش اسلام و منحرف نمودن افشار جامعه مقتضی است نسبت به بکارگیری آنها نکات ذیل رعایت گردد.

- ۱ - عدم بکارگیری آنها در مشاغل حساس و کلیدی .
- ۲ - حتی المقدور از استخدام آنها خصوصاً در مراکز فرهنگی ، آموزشی ، (مداو سیما ، وزارت ارشاد ، دانشگاهها و آموزش و پرورش و ...) سیاسی ، امنیتی خودداری گردد .
- ۳ - از مراکز اطلاعاتی نسبت به اخذ اطلاعات بیشتر استعلام گردد .
- ۴ - نسبت به هر مورد خاص ، هسته‌های گزینش تابعه موظفند نظر آن هیات محترم و یا این هیات را جویا شوند .

بدیهی است منظور افرادی است که ، وابستگی تشکیلاتی به جریان‌های مذکور داشته و در برابر امر ولایت فقیه و مرجعیت و تقلید بی‌تفاوت و بی‌سما مخالف عملی هستند و در مراسم اجتماعی و شائکر مذهبی (جمعه‌جماعات) شرکت نمی‌نمایند و وابستگی آنها نیز احراز شود /۰

۲۲ دبیر هیات عالی گزینش
دکتر علی خاکی



شماره: ۸۴ / ۲۸ / ۱۰۲ / ۱
 تاریخ: ۱۶ / ۸ / ۸۴
 پست:
 طبقه بندی:

بخشنامه به دادستان‌ها و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور

خبرنامه

حسب گزارش‌های رسیده در سال‌های اخیر تعداد زیادی از افراد، تشکل‌ها و انجمن‌های انحرافی با پوشش مسائلی عرفانی و معنوی ایجاد شده، و جوانان کشور را جذب و به انحراف می‌کشند.

این گروه‌ها با ترویج روش‌های تشدیری و انحرافی غیر دینی و یا حتی ضد دینی به بیانه امور معنوی و عرفانی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری مانند: تالیف، ترجمه کتاب، درج مقالات، انتشار نشریه، تولید فیلم و موسیقی، برگزاری جلسات و مراسم‌های گوناگون و ... فعالیت گسترده‌ای را انجام می‌دهند و حتی بعضاً مشاهده می‌شود که از برخی از نهادها و امکانات فرهنگی نظام نیز برای ترویج افکار و روش‌های منحط و به شدت خطرناک خود بهره می‌برند.

نظر به اهمیت موضوع مقتضی است دادستان‌ها و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور با رعایت جوانب و بدون هرگونه تبلیغات رهیانه و به ضرورت کماکان متین و قانونی موارد ذیل را انجام دهند:

- ۱- از توسعه و ترویج اینگونه افکار و روش‌های انحرافی و نیز فعالیت عناصر، تشکل‌ها و گروه‌ها مرتبط با آنها جلوگیری به عمل آورده و با همکاری نهادهای امنیتی و انتظامی نسبت به شناسایی، معنوعیت فعالیت و مجازات مرتکبین اقدام نمایند.
- ۲- با استعلام از کارشناسان و نهادهای ذیربط کلیه آثار فرهنگی و هنری مروج افکار یاد شده حتی در صورت داشتن مجوز که بعضاً بر اثر غفلت و کم توجهی صادر گردیده - جمع آوری و امحاء گردد.
- ۳- گزارش مربوط به اجرای این بخشنامه جهت بررسی به صورت ماهیانه به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال گردد. ۶-۷

سید محمود هاشمی شامروزی

